

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره بیست و دو، بهار ۹۹، صفحات ۷۹-۱۰۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۲۲

بررسی، تبیین و تحلیل مضامین پایان‌جهانی در متون پساساسانی (سده نخست تا چهارم هجری)

اسماعیل سنگاری^۱

محسن یعقوبی^۲

چکیده

سقوط ساسانیان افزون بر پیامدهای سیاسی، دارای پیامدهای گسترده اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود که جامعه زردشتی را در سده‌های نخستین اسلامی تحت تأثیر قرار داد. بازتاب بسیاری از این تغییر و تحولات، در متون پساساسانی قابل بررسی است که از منظر آسیب‌شناسی و به منظور حفظ انسجام و وحدت درونی، آموزه‌های گوناگونی را به جامعه مذکور تعلیم می‌دادند. بسیاری از این آموزه‌ها متأثر از مضامین پایان‌جهانی بود که در متون پساساسانی مورد توجه قرار داشت.

با فرض این که مضامین پایان‌جهانی زردشتی با توجه به شرایط جامعه ایرانی در نخستین سده‌های اسلامی، دارای آموزه‌های گوناگون در حوزه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بوده است، این پژوهش به روش تاریخی و شیوه توصیفی-تحلیلی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی این مضامین در متون پساساسانی می‌پردازد و نگرش‌های پایان‌جهانی دین زردشتی را در حوزه‌های مختلف بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ساسانیان، دیانت زردشتی، متون پساساسانی، مضامین پایان‌جهانی.

۱. استادیار دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران (نویسنده مسئول)

e.sangari@ltr.ui.ac.ir
mohsenyeghoui11@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران

کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، اصفهان - ایران

***Review and Analysis of the Apocalyptic contents in
the post-Sasanian texts (1st - 4th AH)***

E. Sangari¹

M. Yaghoubi²

Abstract

The fall of the Sasanian Empire, in addition to the political results, had extensive social, economic and cultural consequences that influenced Zoroastrian society in the first Islamic centuries. The reflection of many of these changes and developments could be examined in the post-Sasanian texts. From the pathological point of view and in order to maintain the internal cohesion and unity, they instructed various teachings to the mentioned society. Many of these teachings considered in the post-Sasanian texts were influenced by the apocalyptic themes. Assuming that apocalyptic Zoroastrian contents had different teachings in religious, political, social, cultural and economic fields in the first Islamic centuries, this paper studies them in the post-Sasanian texts and examines the apocalyptic attitudes of Zoroastrian religion in different fields using a descriptive-analytical method.

Keywords: Sasanians, Zoroastrian Religion, Post-Sasanian Texts, Apocalyptic Texts.

1 . Assistant Professor, University of Isfahan, Isfahan-Iran (Corresponding Author)
e.sangari@itr.ui.ac.ir

2 . Master of Science, University of Isfahan, Isfahan-Iran mohsenyeghoui11@yahoo.com

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

مفهوم آخرالزمان از مبانی بنیادین معناشناسی دین زردشتی است که در آن آموزه‌های پایان‌جهانی، مفاهیم انتظار، ظهور منجی و بازسازی جهان بر مبنای آفرینش نخستین و نیز سرنوشت نهایی انسان در پایان جهان از اهمیت بسیاری برخوردار است. توجه به مبانی نظام آفرینش و تقسیم‌بندی آن به دوره‌های سه هزار ساله، ثنویت اخلاقی دین زردشتی، ستیز دائمی دو نیروی خیر و شر، پایان جهان و رستگاری نهایی، همگی مؤلفه‌های مهم در بررسی و تحلیل مضامین پایان‌جهانی زردشتی هستند.

پس از سقوط ساسانیان و به منظور حفظ وحدت درونی جامعه، مضامین پایان‌جهانی مورد توجه روحانیون زردشتی قرار گرفت و آن‌ها در قالب متون پساساسانی، آموزه‌های متنوع دینی و غیردینی را که رنگ و بوی پایان‌جهانی به خود گرفته بود، به جامعه زردشتی تعلیم دادند. نگارش متون پساساسانی متأثر از نهضت کتابت متون دینی بود که در اواخر دوره ساسانی آغاز شد و در قرون نخستین اسلامی به اوج شکوفایی خود رسید. در این دوره، متون متعددی در زمینه انواع آموزه‌های دینی، اجتماعی و سیاسی تألیف شد و بسیاری از متون دینی دوره ساسانی نیز با توجه به تحولات آن روزگار تأویل و تفسیر شدند و در قالب آثار جدیدی به نگارش درآمدند. در بسیاری از متون پساساسانی، پیشگویی‌ها و رخدادهای پایان‌جهانی، سهم عمده‌ای داشتند که این خود نشانه اهمیت این مفاهیم در ابعاد مختلف زندگی جامعه زردشتی بوده است. مسئله اساسی در این پژوهش این است که رویکردهای دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مضامین آخرالزمانی زردشتی چگونه بوده است و چه تأثیری بر جنبه‌های مختلف تحولات جامعه ایرانی در قرون نخستین اسلامی داشته‌اند؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

اگرچه مطالعات گسترده‌ای در رابطه با متون پساساسانی انجام شده است، با وجود این هیچ یک از تحقیقات به شکل ویژه و مستقل به بررسی و تحلیل مضامین پایان‌جهانی در

این متون نپرداخته‌اند. چوکسی (۱۳۹۳ش.) در اثر «ستیز و سازش» به علت‌یابی جریان‌هایی می‌پردازد که به واسطه آن‌ها زردشتیان ابتدا از لحاظ سیاسی، سپس از لحاظ دینی و سرانجام از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، تسلط بر جامعه خویش را در برابر مسلمانان از دست دادند و به صورت مغلوب درآمدند. او پیدایش مؤلفه‌های پایان‌جهانی در این دوره را از این منظر مورد بررسی قرار می‌دهد. دریایی (۱۳۹۳ش.) در پژوهشی تحت عنوان «شاهنشاهی ایران، پیروزی عرب‌ها و فرجام‌شناختی زردشتی» با بررسی متون فارسی میانه زردشتی، دیدگاه زردشتیان را در باب رخدادهای سیاسی در سده هشتم و نهم میلادی بررسی و تحلیل می‌کند و بر نقش مؤلفه‌های پایان‌جهانی در واکنش جامعه زردشتی نسبت به این رخدادهای و سایر تحولات اجتماعی، اقتصادی، دینی و فرهنگی تأکید می‌ورزد. تفضلی (۱۳۷۸ش.) در پژوهش «تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام» که از مستندترین و جامع‌ترین تحقیقات در زمینه ادبیات ایران پیش از اسلام به شمار می‌آید، برخی متون پس‌اساسانی مانند ارداویراف‌نامه و زندیهمن‌یسن را به عنوان متونی که متضمن بیان مکاشفات و پیشگویی حوادث پایان جهان است، مورد بررسی قرار داده است.

۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

پیدایش مضامین پایان‌جهانی زردشتی در متون پس‌اساسانی، بازتاب واکنش جامعه زردشتی به تحولات شگرف دینی، سیاسی و اجتماعی دوران خود بود. این متون مواجهه دو عرصه مهم فکری و فرهنگی آن دوره یعنی دین زردشتی و دین اسلام را نشان می‌دهد که هر کدام تأثیرات خاصی را بر حیات جامعه ایرانی بر جا گذاشت. از آن‌جا که پژوهش پیش‌رو، به تبیین و تحلیل مضامین پایان‌جهانی و کارکردهای مختلف آن می‌پردازد و به نوعی تحولات جامعه ایرانی را در سده‌های نخست اسلامی از منظر جهان‌بینی زردشتی مورد بررسی قرار می‌دهد، می‌تواند برای پژوهشگران مورد استفاده قرار گیرد.

۲. بحث

۲-۱. زمینه‌های پیدایش مضامین پایان‌جهانی در متون پس‌اساسانی

«آخرالزمان» اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا، به معنای آخرین دوره حیات بشر و قبل از برپایی قیامت (تونه‌ای، ۱۳۹۳: ۳۵؛ Leclant 2005: 141). منظور از

آخرالزمان، قسمت واپسین از دوران روزگار است که به قیامت متصل گردد (فرهنگ معین، ۱۳۸۴: ۴۷). پس از سقوط ساسانیان، پیروزی اعراب با انتظارات پیشگویانه و پایان‌جهانی ارتباط یافت، پیشگویی اسلامی به پیروزی اشاره داشت و اعتقاد زردشتی به آخرالزمان، نابودی را نشان می‌داد. در این ادبیات بر وقایع مربوط به سقوط ساسانیان و دین حکومتی آن، پوششی از پریشانی و اندوه حاکم بود (چوکسی، ۱۳۹۳: ۱۷۲).

در آغاز سده ۸م، تنها بازماندگان خاندان سلطنتی ساسانیان در سیستان و آسیای مرکزی در اندیشه بازپس‌گیری ایرانشهر بودند، اما حکومت‌های محلی که در سده نهم میلادی قدرت را به دست آوردند، پیوند با ساسانیان را نادیده گرفتند و بدین ترتیب پایداری سیاسی در برابر اعراب به تدریج فروکش کرد. شیوه بعدی پایداری به وسیله ادبیات پایان-جهانی مطرح شد که در آن تنها امید برای رستگاری در جهان روحانی بود و نه جهان مادی. به عبارتی آن‌چه که زردشتیان می‌توانستند انجام دهند، پیشگویی و امیدواری برای زمانی بود که دین زردشتی و حقیقت و عدالت مورد نظر آن استقرار خواهد یافت (دریایی، ۱۳۹۳: ۸۶؛ ۹۲).

پس از سده ۹م، تاریخ کیش زردشتی تا حدی اسفبار می‌نمود. جماعت زردشتیان ایران به صورت اقلیتی پریشان و تا حدی مورد اغماض، دوران بسیار سختی را آغازیدند (Malandra, 1983: 46). اما بسیاری از زردشتیان ناامید، سرانجام ترجیح دادند دینی را بپذیرند که برتری خود را با پیروزی سیاسی ثابت کرده بود. به این طریق، پیشگویی‌ها به حقیقت تبدیل شد و هنگامی که زردشتیان می‌کوشیدند مانع از گرایش هم‌کیشان خود به اسلام شوند، منازعاتی روی می‌داد (Azarnouche, 2012: 15). در این شرایط رهبران دین زردشتی به قوانین دینی خود رجوع و تلاش کردند تا آن قوانین را بر رابطه پیروان خود با مسلمانان حاکم کنند، زیرا به درستی دریافته بودند رابطه متقابل به دگرگونی‌های دینی و اجتماعی می‌انجامد که شیوه زندگی سنتی آن‌ها را تهدید می‌کرد؛ اما در عین حال، امکان متوقف کردن ارتباط و دگرگونی وجود نداشت. رابطه کلی میان مسلمانان و زردشتیان از طریق مؤلفه‌هایی نظیر غلبه سیاسی، همکاری تدریجی، پدیدآوردن اساطیر و تغییر دین به صورت رابطه‌ای مبتنی بر تطبیق فرهنگی با اسلام و جامعه اسلامی درآمد. بنابراین، سقوط

حکومت ساسانیان و ظهور حکومت‌های اسلامی فقط برای کسانی که به دین زردشتی پایبند باقی ماندند، به صورت فاجعه درآمد (چوکسی، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۷۵).

هر چند قدرت موبدان پس از انقراض حکومت ساسانی کاهش یافت، اما در نخستین سده‌های هجری که هنوز جمع کثیری از ایرانیان زردشتی بودند، موبدان به اندازه قابل اعتباری قدرت داشتند و اگر هم مقام سیاسی خود را از کف داده بودند، نفوذ معنوی آن‌ها به قوت خود باقی بود. در حقیقت با انقراض ساسانیان و افول قدرت اشراف، موبد موبدان رئیس حقیقی ایرانیان زردشتی بود، و هر چند با گرایش زردشتیان به اسلام، قدرت و اعتبار او کاهش می‌یافت، اما در اواخر قرن سوم صاحب اختیار معنوی و دینی بود و حل و عقد مسائل و مشکلات دینی را به عهده داشت. در این دوره، موبدان زردشتی فعالیت قابل ملاحظه‌ای را در زمینه تألیف متون دینی پهلوی از خود نشان دادند. در این متون بسیاری از جزئیات روایات دینی و عادات و عقاید زردشتیان روشن می‌شود (صدیقی، ۱۳۷۲: ۸۸-۸۹؛ همچنین ن.ک. به: کای‌بار، آسموسن و بویس، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۳۵).

بعضی از متون پهلوی متضمن بیان مکاشفات و پیشگویی‌های حوادث، خصوصاً حوادث پایان جهان است. از این نوع متون، چندین اثر به پهلوی در دست است مانند ارداویراف‌نامه، زندبهن‌یسن، جاماسب‌نامه، یادگارجاماسی و بهرام ورجاوند. برخی متون دینی دیگر، مباحث مربوط به آخرت و پیشگویی را مطرح می‌کنند، خواه در متونی که موضوعشان بررسی اجمالی سنت‌های دینی است (نظیر کتاب هفتم دینکرد)، خواه در مباحث مربوط به کیهان‌شناسی در کتاب‌های بندهشن و گزیده‌های زادسپرم. افزون بر توصیفات طولانی این آثار، اشاره‌های کوتاه‌تری درباره رستاخیز، رستگاری جهان و فرسگرد در دیگر نوشته‌های پهلوی، همچون دادستان دینی آمده است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۶۷).

۲-۲. شواهد مکتوب از مضامین پایان‌جهانی در متون پساساسانی

۲-۲-۱. ارداویراف‌نامه

این متن پساساسانی، شرح سفر ویراز روحانی به دنیای دیگر و توصیف‌های واضح و روشن او از برزخ، بهشت و جهنم است. اگرچه نگارش اثر در شکل کنونی مربوط به دوره

پس از ساسانیان است، اما احتمالاً مطالب آن قدیمی‌تر از این زمان باشد، زیرا نام قهرمان آن، ویراز، در اوستا وجود دارد و موضوع کتاب هم در سده‌های پیشین مورد توجه بوده است. برای نمونه، کرتیر در کتیبه‌هایش که در نقش‌رجب و سرمشهد موجود است، به منظور اثبات اثرگذاری آیین‌ها و مناسک، تأیید حقانیت دین زردشتی و تحکیم این دین، مکاشفاتی از بهشت و دوزخ را بازگو می‌کند (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۱۹۷-۱۹۹)، همچنان که هدف سفر ویراز به جهان دیگر برای اثبات مؤثر بودن برخی تشریفات زردشتی در دوره بعد از ساسانیان است، دوره‌ای که دین زردشتی مورد هجمه و حمله قرار گرفته بود (ارداویراف‌نامه، ۲۰: ۱۳۸۲).

توصیف بهشت در متن ارداویراف‌نامه یکنواخت است، در حالی که آزارهای دوزخ خیالی‌تر وصف شده است. دسته‌بندی ارواح مردگان در بهشت هم دقیقاً همانند طبقه‌بندی سنتی جامعه ایرانی است؛ یعنی گروه‌های متفاوت اجتماعی مانند روحانیون، جنگجویان و کشاورزان (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۱۹۸):

«و دیدم روان فرمانروایان خوب و پادشاهان را که از آنان بزرگی و خوبی و نیرومندی و پیروزگری می‌تافت هنگامی که در روشنی، در ارابه زرین و در گردونه می‌رفتند... و دیدم روان بزرگان و راستگویان که در روشنی بلند در آن فر بزرگ می‌رفتند. و این به نظر من ستایش‌آمیز آمد» (ارداویراف‌نامه، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۸).

بخش بیشتر اثر -فصل شانزده تا پایان- به توصیف دوزخ و گناهکاران و مجازات‌های آن‌ها اختصاص دارد. از دیدگاه کتاب، گناهان بر دو دسته‌اند: گناهان اخلاقی و گناهانی که نتیجه عدم انجام آیین‌های دینی و تکالیف شرعی است و هر یک عقوبت خاصی دارند (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۶۹). ویراز دوزخ را جایگاهی بسیار منزجرکننده توصیف کرده که شکنجه‌های آن پایان ندارند. بعضی از این شکنجه‌ها در حقیقت، بازتاب مجازات‌هایی است که در دوره ساسانی بر گناهکاران تحمیل می‌کرده‌اند. از طرفی، گناهانی که در دوزخ تاوانش را می‌بینند، تنها شامل گناهان بزرگ مانند کفر، بدعت و قتل نیست، بلکه موارد دیگری نیز مشمول مجازات هستند، از جمله بی‌حرمتی به آیین‌های زردشتی و عقاید خاص این دین، همچون آلودن آب، آتش و خاک (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۱۹۸).

به عبارتی، در دوره پس از سقوط ساسانیان که گرایش به اسلام و عقاید التقاطی رواج داشت و برخی زردشتیان نسبت به آموزه‌های دین خویش دچار شک و تردید شدند، روحانیون زردشتی تصمیم گرفتند که ضمن تبیین کامل گناهان، انواع عقوبت و مجازات‌های مربوطه را با دقیق‌ترین و ملموس‌ترین توصیفات بیان کنند تا توده مردم را از ارتکاب آن‌ها برحذر دارند. بنابراین تشریح گناهان و مجازات آن‌ها، بازتابی از نگرانی روحانیون نسبت به وضعیت اخلاقی و فرهنگی جامعه زردشتی در سده‌های نخست اسلامی است. از مهم‌ترین گناهانی که در این کتاب همراه با نوع عقوبت و مجازات آن‌ها ذکر شده، لواط، زنا، غیبت، دروغ‌گویی، جادوگری، بدعت در دین، دزدی، کم‌فروشی و احتکار اموال، بی‌احترامی به آتش، خیانت به مردم و فاحشگی است. در این مباحث سخن از عذاب‌هایی است که بیشتر بیانگر قضاوت خشن بشری است و به قوانین قصاص ارتباط دارد تا باورپذیرتر باشد. بیشتر عذاب‌ها شکنجه‌های جسمانی هستند و از دگرآزاری (سادیسیم) جنسی عاری نیستند (ارداویراف‌نامه، ۱۳۸۲: ۱۱-۱۲):

«و دیدم روان مردی که پوست سرش را به پهنا می‌کنند و او را با مرگ سختی می‌کشند. و پرسیدم: «این تن چه گناه کرد که روان او چنین پادافرهی را تحمل می‌کند؟» سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: این روان آن مرد دروند است که در گیتی مرد اهلو را بکشت» «و دیدم روان مردی و زنی که زبان‌شان درآمد بود و ماران دهان آن‌ها را می‌جویدند. و پرسیدم: «این تن‌ها چه گناه کردند و آنان روانان چه کسانی هستند؟» سروش اهلو و آذر ایزد گفتند: این روان آن‌هایی است که در گیتی غیبت کردند و مردم را به هم درانداختند» (ارداویراف‌نامه، ۱۳۸۲: ۶۶-۸۳).

از دیدگاه بویس اگر برخی از مردم قدرت تخیل آن را نداشتند که تصور کنند روح گناهکاران به هنگام مرگ با چه وحشتی روبه‌رو می‌شود یا پس از آن چگونه در دوزخ شکنجه خواهد شد، آن‌گاه ارداویراف‌نامه به یاری‌شان می‌آمد (بویس، ۱۳۹۰: ۲۹۴). در ارداویراف‌نامه به مجازات‌های روانی اشاره کمتری شده است. کیفرها چندان به مسائل مذهبی ارتباط ندارند و حتی کمتر به مسائل معنوی مربوط می‌شوند. اما نوعی نظم اخلاقی

نسبتاً ملموس را به طور برجسته نمایان می‌کنند (ارداویراف‌نامه، ۱۲:۱۳۸۲). با وجود این، اثر می‌کوشد قوانین زندگی زردشتی را با توجه به رفتارهای اخلاقی و رعایت واجبات مذهبی تقویت کند (بویس، ۲۱۱:۱۳۹۰).

ارداویراف‌نامه در نزد روحانیون زردشتی به دلیل جنبه‌های آموزشی و رویکرد واقع‌بینانه به موضوعات، دارای اهمیت ویژه‌ای است. همچنین استفاده از هنر مینیاتوری در توصیف مجازات‌ها که تا سده گذشته کاربرد داشت، توانست تأثیر این اثر را در میان مردمان زردشتی به قوت خود باقی نگه دارد (تاوادیا، ۹۶:۱۳۸۳).

۲-۲-۲. زندبهمن یسن

اگرچه نسخه نهایی این متن مربوط به سده سوم یا چهارم هجری است، با وجود این، ترکیبی از مضامین اوستایی و اشارات تاریخی به حوادث دوره ساسانی و پس از آن است. از آن‌جا که این متن موضوعات گوناگونی را از دوره‌های مختلف در بردارد، تعیین تاریخ مضامین کتاب تا به امروز موضوع مناقشه بوده است. چرتی براساس نظریات بویس، ویدن-گرن و هولتگارد نتیجه می‌گیرد که متن بر پایه سه لایه تاریخی مختلف شکل گرفته است. اولین لایه، اساطیری است یا به عبارتی قدیمی است، اما به طور دقیق نمی‌توان تاریخ دقیق آن را تعیین کرد؛ دومین لایه از دوره ساسانی و سومین لایه از دوره اسلامی است (امریک و ماتسوخ، ۱۹۳:۱۳۹۳).

متن ویراست‌شده اثر نه فصل دارد. فصل چهارم به رویدادهای پایان هزاره زردشت پرداخته است و در آن اهوره‌مزدا پیامدهای ناخوشایند تاخت‌وتاز بیگانگان به ایران را در قالب توصیف یک فاجعه تاریخی و بیان کیفیت اسفبار یک رویداد غیرمنتظره پیشگویی می‌کند (تفضلی، ۱۷۱:۱۳۷۸). براساس متن، در این دوره تغییرات شگفت‌انگیزی در آسمان و گیتی رخ می‌دهد که خود باعث دگرگونی‌های اساسی در نظام طبیعت می‌شود. برخی پیامدهای این دگرگونی نظیر قحطی و خشکسالی در حافظه تاریخی جامعه ایرانی وجود داشته است که در ادوار مختلف با آن روبرو بوده‌اند. از این رو، اشاره به این پدیده‌ها، درک شرایط پایان جهانی را برای ذهنیت جامعه زردشتی آسان می‌کرد و ترکیب آن با بلایای نامأنوس مانند کاهش روشنایی خورشید و کوتاهی روزها، ترس و وحشت توده مردم را نسبت به حوادث این دوره شدت می‌بخشید. آنچه در پی می‌آید، توصیف چنین شرایطی است:

«خورشید راست‌تر و تنگ‌تر و سال و ماه و روز کوتاه‌تر و سپندارمذ، یعنی زمین، تنگ‌تر و تنگ‌راه‌تر باشد و تخم میوه ندهد... و خوردنی و دار و درخت بکاهد، اگر یکصد بگیرد، نود بکاهد و ده بیفزاید، آن را که بیفزاید، طعم و مزه نباشد... و ابر کامگار و باد مقدس را به هنگام و زمان خویش باران کردن نشاید. ابر و مه همه آسمان را تیره کند... و آب رودها و چشمه‌ها بکاهد و آن‌ها را افزایش نباشد و ستور و گاو و گوسفند کمتر زاینند و بد هنرتر زاینند و بار کمتر گیرند» (زندبهن‌یسن، ۱۳۷۰: ۵-۷).

تباهی اخلاقی، زندگی سخت مؤمنان زردشتی و پدیده بدعت از نشانه‌های دیگر این دوره است. در هر قسمتی از متن که صحبت از صفات نیک و افرادی است که مشمول آن هستند، به وجه اهریمنی و متضاد این صفات و افراد مرتبط با آن هم اشاره می‌شود تا با توجه به تأکید گفتمان زردشتی بر تفکیک کامل صفات خوب و بد از یکدیگر، دشواری شرایط پایان‌جهانی برای زردشتیان ملموس‌تر باشد. همچنین در این متن گرفتاری‌های درونی جامعه ایرانی و انحطاط سیاسی، اجتماعی و اخلاقی آن به عنوان یکی از عوامل حمله و تسلط سایر دشمنان زردشتیان به ایران تلقی می‌شود:

«مردم، کمتر زاینند و هنر و نیروی ایشان کم باشد و ستمگرت‌تر باشند و سپاس و آزرمان و نمک ندارند... گفتار خردان، بدگویان، نابکاران و دلکک‌ها و داوری‌های دروغ را راست و باور دارند و بدان سوگند دروغ خوردند و بدان گواهی دروغ دهند و دروغ و ناراست درباره من، اورمزد، گویند... همه مردم حریص و ناراست دین باشند... و پادشاهی و فرمانروایی به بندگان انیرانی چون هیون، ترک، ختل و تبتی رسد» (زندبهن‌یسن، ۱۳۷۰: ۶-۸).

در این اثر، فاجعه آخرالزمانی به شکل ظهور مردمی که جامعه سپاه پوشیده‌اند، توصیف می‌گردد که اشاره به قیام ابومسلم خراسانی و نهضت عباسیان است. همچنین در این متن می‌توان به دیدگاه زردشتیان درباره تبار ابومسلم و عملکرد او پی برد که میزان بیزاری جامعه زردشتی را از او نشان می‌دهد (سنگاری و یعقوبی، ۱۳۹۸: ۱۱؛ دریایی، ۱۳۹۳: ۷۶-۷۷):

«در آن پست‌ترین زمان، یک صدگونه، یک هزارگونه و ده‌هزارگونه دیوان گشاده موی خشم تخمه برسد، پست‌ترین نژادها از سوی خراسان به ایرانشهر تازند، درفش برافراشته‌اند، سلاح سیاه برند و مو، گشاده به پشت دارند و بیش‌تر بندگان خرد پست و پیشه‌ور و پیشکار خشن باشند. بن و زاده آن تخمه خشم پیدا نیست. به سرزمین‌های ایران که من اورمزد آفریدم به جادوگری بتازند. چنان که بسیار چیز سوزند و خانه‌خانه‌داران، ده دهقانان، آبادی و بزرگی و دهقانی و راست دینی و پیمان و زنه‌ار و رامش و همه آفرینش، که من اورمزد آفریدم، تباہ کنند» (زندبهن‌یسن، ۱۳۷۰: ۵).

بر این اساس، آن‌چه که برای جامعه زردشتیان اهمیت داشت، ماهیت غیرزردشتی قیام ابومسلم و تهدیدی بود که او برای وحدت زردشتیان به وجود می‌آورد. از دیدگاه زردشتیان، فرمانروایی بیگانگان یک بدبختی بود، اما ایده گفتگو و آمیزش با سایر ادیان یک گناه پنداشته می‌شد. در دوره اموی و علی‌رغم همزیستی زردشتیان و مسلمانان، جامعه زردشتی می‌توانست دشمن خود را بشناسد و هویت خویش را حفظ کند، اما همکاری سیاسی و آمیختگی ایرانیان زردشتی و اعراب مسلمان، به معنی پایان همه آرزوها برای دستیابی به استقلال و شکوفایی دین زردشتی بود (دریایی، ۱۳۹۳: ۷۹).

مباحثی از این اثر درباره آشوب‌هایی مانند قیام بابک است که به دنبال آشوب‌های ذکر شده در فصل‌های پیشین روی خواهد داد. درباره هزاره اوشیدر (هوشیدر)، یکی از موعودان زردشتی، و ظهور بهرام ورجاوند و پشوتن، پسر گشتاسب در فصل‌های هفتم و هشتم نکات مهمی به چشم می‌خورد (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۱). درباره بهرام ورجاوند باید توجه کرد که سخن از چهره‌ای خیالی نیست و احتمالاً همان بهرام پسر یزدگرد است. او در سال‌های ۶۵۶ تا ۶۶۰ م. و با حمایت امپراتور چین تلاش کرد تا ایران را از تسلط اعراب خارج کند که به موفقیت نرسید، اما بازتابی از تلاش او و امیدی که ایرانیان به وی داشتند در این متن و برخی دیگر از متون پهلوی نظیر منظومه بهرام ورجاوند و بندهشن آمده است (جلیلیان: ۱۳۹۶: ۵۸۵).

اطلاعاتی درباره سه نجات‌بخش دین زردشتی یعنی هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانت و

برخی از رخداد‌های زمان آن‌ها موضوعات فصل‌های بعدی را در برمی‌گیرد (زندبهمن‌یسن، ۱۳۷۰: ۹). آغاز فصل نهم درباره هوشیدر و پشوتن است و از بند یازده به بعد شرح حوادث آخرین هزاره، یعنی هزاره اوشیدرماه (هوشیدرماه) و آزادی ضحاک از بند و کشته‌شدن او به دست کرشاسب آمده است و کتاب با ذکر سوشیانن در آخر هزاره پایان می‌پذیرد (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۲):

«...و پس من، دادار اورمزد، به سروش و ایزد نریوسنگ گویم که: ((تن) گرشاسب سام را بجنابند، تا برخیزد))... پس رنج و پتیاره از این جهان برود تا هزاره را به پایان رسانم. و پس سوشیانن آفرینش را دوباره پاک بسازد و رستاخیز و تن پسین باشد (واقع شود)» (زندبهمن‌یسن، ۱۳۷۰: ۱۹).

زندبهمن‌یسن با وعده پیروزی نهایی زردشتیان در پایان جهان به انتها می‌رسد. هر چند حوادث منتهی به آخر هزاره جنبه ایدئولوژیکی و اساطیری دارند، اما از درون این حوادث و تحولات است که مفهوم انتظار به وجود می‌آید و با توجه به وعده شکست نهایی شر، تحمل شرایط سخت انتظار برای زردشتیان آسان‌تر می‌شود. به عبارتی، شرح رخدادها و تحولات پایان‌جهانی برای آن است که ذهنیت جامعه زردشتی را نسبت به مقوله انتظار و تحقق وعده ظهور منجیان و رستگاری نهایی آماده کند. باید توجه داشت افزون بر زندبهمن‌یسن، برخی از متون پایان‌جهانی زردشتی هم با توصیف رخداد‌های مربوط به سه موعود به پایان می‌رسند.

۲-۳. جاماسب‌نامه

بنابر روایات متون زردشتی، گشتاسب پادشاه کیانی بود که مرکز قدرتش در بلخ قرار داشت. زردشت که همواره مورد غضب پادشاهان و مردم بود، سرانجام به بلخ پناه آورد و مورد حمایت گشتاسب، قرار گرفت (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۲: ۵۰). در پذیرش زردشت توسط گشتاسب، وزیر و مشاور وی، جاماسب، که به دانایی و پیش‌گویی مشهور بود، همراه با برادر خود، فرشوشتر که او نیز وزیر گشتاسب بوده است و همچنین زریر، برادر شاه، نقش اصلی را ایفا و از طریق آشنایی با اندیشه‌های زردشت، شاه را به پناه‌دادن به او و ایجاد آتشکده‌ها تشویق کردند (پوردادوود، ۱۳۸۹: ۴۳). از جاماسب، پیشگویی‌هایی در دست است.

بخشی از آن‌ها در جاماسب‌نامه و بخشی در یادگار جاماسبی آمده است. از تلفیق این دو اثر می‌توان به روایت نسبتاً کاملی از پیشگویی‌های جاماسب دست یافت (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۲).

جاماسب‌نامه مانند زندبهن‌یسن، به توصیف بلایای طبیعی و سیاسی می‌پردازد که زردشتیان در آخرالزمان به آن دچار هستند و تا زمان ظهور منجیان و فرارسیدن رستاخیز ادامه دارد (دریایی، ۱۳۸۳: ۲۰۰).

جاماسب‌نامه به سه فصل تقسیم شده است: در فصل اول، گشتاسب از جاماسب می‌پرسد که دین زردشتی تا چند سال رواج دارد و پس از آن چه دوره‌ای فرا می‌رسد؟ جاماسب در پاسخ به شرح رویدادهای پایان هزاره زردشت می‌پردازد و انحطاط اخلاقی و دینی مردم را پیشگویی می‌کند که منجر به بروز مصائب و سختی‌های گوناگون مانند قحطی، زلزله و تسلط بیگانگان بر ایرانشهر می‌شود (بندهای ۱-۲۶). سپس به توصیف جزئیات سلطه بیگانگان و اوضاع آشفته و هرج و مرج ناشی از آن می‌پردازد (بندهای ۲۷-۴۲). در ادامه به شاه طبرستان اشاره می‌کند که با دشمنان می‌جنگد و آن‌ها را شکست می‌دهد (بندهای ۴۳-۵۰)؛ سپس پشوتن پسر گشتاسب قیام می‌کند و زمینه را برای ظهور نخستین منجی (هوشیدر) آماده می‌کند. سرانجام با ظهور هوشیدر، هزاره او آغاز می‌شود (بندهای ۵۱-۵۴).

سؤال گشتاسب درباره آفت‌های گوناگون و موارد و دفعاتی که مردم دچار آن می‌شوند، در ادامه اثر می‌آید (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۳). جاماسب، بلایای طبیعی و آشوب‌های این دوره را بیان می‌کند (تاوادیا، ۱۳۸۳: ۱۷۳). در ادامه مباحث، سه قطعه کوتاه می‌آید: قطعه اول درباره نشانه‌های ظهور هوشیدر است، قطعه دوم درباره چگونگی پیشگویی جاماسب است و قطعه سوم پاسخ به این سؤال گشتاسب است که چند سال پادشاهی خواهد کرد و چه کارهای نیکی باید بکند و وظیفه او چیست (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۳-۱۷۴).

۲-۴. یادگار جاماسبی

یادگار جاماسبی مشتمل بر مهم‌ترین آموزه‌های دین زردشتی و مجموعه‌ای از رویدادهای تاریخی، اساطیری و باورهای عامیانه است (تاوادیا، ۱۳۸۳: ۱۷۵). در این اثر،

افزون بر اساطیر و افسانه‌ها، کیهان‌شناسی و حوادث مربوط به پایان جهان (در فصل‌های شانزده و هفده) و داده‌های جغرافیایی نیز آمده است (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۱۹۵). مانند جاماسب‌نامه، این متن نیز گفتگوی گشتاسب و وزیر او جاماسب است. جاماسب در این گفتگو، آینده ایران و مصائبی را که به این سرزمین می‌رسد، پیشگویی می‌کند. روایت او مشتمل بر جزئیاتی درباره تاریخ، جغرافیا، اقوام مختلف و نیز فهرستی از پادشاهان ساسانی است که نه تنها ناقص است، بلکه از نظر وقایع‌نگاری نیز تا اندازه‌ای نادرست است. این اثر در شکل کنونی مربوط به دوره اسلامی است، اما متن اصلی احتمالاً در قرن ششم میلادی تألیف شده است و در آن از مضامین اشکانی نیز بهره گرفته‌اند (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۱۹۵). فصل‌هایی که در باب پیش‌گویی‌های جاماسب بیشتر از همه مورد توجه قرار گرفته‌اند، شانزده و هفده می‌باشند که به وقایع و نشانه‌های پایان‌جهانی اختصاص دارد.

یکی از چند قطعه اندک شماری که به پهلوی باقی مانده و در قالب منظومه هشت هجایی تألیف شده است، مربوط به فصل شانزدهم و موضوع آن عبارت است از پیشگویی مفصل درباره بدبختی و انحطاطی که نابودی گناهکاران و تجدید ایمان را در پی دارد (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۱۹۶). زوال دین، انحطاط اخلاقی، تغییرات مصیبت‌بار آب و هوایی و قحطی و جنگ در این اثر به چشم می‌خورد:

«ویشتاب شاه پرسید که: این دین مقدس چند سال رایج باشد و پس از آن زمانه چگونه است؟ جاماسب به او گفت که: این دین هزار سال رایج باشد. پس این مردمان که در آن زمان باشند همه پیمان‌شکن شوند؛ یکی بدیگری کینه و رشک ورزد و دروغ گوید و به آن دلیل ایرانشهر به تازی‌ها بسپارند. تازی‌ها هر روز نیرومندتر باشند و شهر به شهر را بگیرند... و همه ایرانشهر به دست این دشمنان بیفتد و غیر ایرانی با ایرانی درآمیزد. این چنین است که نجیب‌زاده از غیرنجیب‌زاده پیدا نباشد... و زندگی آزادان و بزرگان بی‌مزه شود و ایشان مرگ خود را بیاندیشند... و آب و هوا آشفته شود و باد سرد و باد گرم بوزد و گیاهان کم‌بار دهند و زمین محصول ندهد و زلزله بسیار باشد... و بیشتر مردم... شهر به شهر، ده به ده و روستا به روستا با یکدیگر بستیزند و کارزار کنند و از دیگری چیز برابیند...» (Messina, ۱۹۳۹: ۱۱۲-۱۱۶).

به نظر می‌رسد که جاماسب‌نامه، یادگار جاماسبی و متون مشابه، از نگاه پادشاهان اساطیری کیانی به آینده نگاه می‌کنند. این برداشت تاریخی از یک سو تداوم حضور کیانیان در جهان‌بینی زردشتی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، بیانگر وجود دغدغه‌های پایان‌جهانی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران است.

۲-۲-۵. منظومه بهرام ورجاوند

بر پایه اساطیر زردشتی، در نخستین هزاره پس از زردشت یکی از افراد موعود در دین زردشتی به نام کی‌بهرام ورجاوند از سوی هندوستان ظهور خواهد کرد. ظهور او به صورت منظومه کوتاهی مشتمل بر حدود چهارده بیت پیشگویی شده است. در آغاز منظومه، به هجوم اعراب و ضبط اموال و دارایی و وضع جزیه اشاره شده و سپس مژده ظهور بهرام ورجاوند در پایان جهان و انتقام او از تازیان آمده است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۷۶). در این اثر، شرایط آشفته و بغرنج جامعه ایرانی که ناشی از تسلط اعراب است، به صورت مختصر به نگارش درآمده است. با قیام بهرام ورجاوند که از دودمان کیانیان معرفی می‌شود، بتکده‌ها ویران شده و دروغ‌گویان از بین می‌روند:

«از ما بیاید آن شه بهرام ورجاوند از دوده کیان،

بیاوریم کین تازیان،

چونان رستم که آورد یک صد کین سیاوشان، مزگت‌ها را فرو هلیم، به نشانیم
آشنان،

بتکده‌ها بر کنیم و پاک کنیم از جهان

تا ویران شوند دروج‌زادگان از این جهان» (متن‌های پهلوی، ۱۳۷۱: ۱۹۱).

با فرض آن که بهرام ورجاوند همان بهرام پسر یزدگرد سوم باشد، می‌توان به این نتیجه رسید که وی به دلیل تلاش‌های خویش برای آزادی ایرانشهر در حافظه تاریخی مردم باقی ماند و مدت‌ها پس از مرگ او، هنوز در میان زردشتیان کسانی بودند که انتظار ظهور بهرام را می‌کشیدند. روحانیون زردشتی از این برداشت تاریخی استفاده کردند و بهرام را در جایگاه

قهرمان اساطیری قرار دادند که قرار بود با قیام خود و نابودی دشمنان دین زردشتی، زمینه را برای ظهور نخستین منجی آماده کند. در این منظومه، برای آماده‌سازی ذهنی زردشتیان نسبت به ظهور بهرام، به یکی دیگر از پهلوانان اسطوره‌ای ایران یعنی رستم اشاره می‌شود تا قدرت و توانایی بهرام در ذهن مردم باورپذیر شود. این اشاره‌ها نشان از جایگاه مهم اسطوره‌ها در باورهای جامعه ایرانی دارد.

۲-۲-۶. بندهشن

بندهشن عمدتاً دربارهٔ کیهان‌شناسی و نظم جهانی است و درباب مباحثی نظیر تکوین جهان یعنی شرح آفرینش جهان به دست اهوره‌مزدا و مقابله با اهریمن و کیهان‌نگاری مطالبی را ارائه می‌کند. در این اثر، مطالب دیگری از قبیل بلایایی که در آخرالزمان بر ایرانشهر فرود آمده هم آمده است. در عنوان به هیچ‌یک از این فصل‌های پایانی اشاره‌ای نشده و بیشتر پژوهشگران می‌پندارند که این مطالب در دوره‌های بعدی به متن اصلی اضافه شده است (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۸). برخی از فصل‌های پایانی اثر مانند فصل هجدهم اختصاص به توصیف شرایط آخرالزمان دارد؛ تکرار واژهٔ ایرانشهر و تفکیک ایرانی و انیرانی از نکات برجستهٔ آن است و نشانهٔ اهمیت این مفاهیم از دیدگان مؤلفان کتاب است. در واقع، بلایا و مصائب پایان‌جهانی در محدودهٔ قلمرو ایرانشهر دارای تعریف و پیامد هستند و در حین توصیف رویدادها و حوادث، اشاره به این واژه بر سایر واژگان تقدم دارد:

«پس، افراسیاب آمد و منوچهر را با ایرانیان به پتسخوارگر راند... و فرش و نوذر، پسران منوچهر، را کشت تا به پیوندی دیگر، ایرانشهر از افراسیاب ستانده شد. چون منوچهر درگذشته بود، دیگر بار افراسیاب آمد، بر ایرانشهر بس آشوب و ویرانی کرد، باران را از ایرانشهر بازداشت.» (بندهشن، ۱۳۸۰: ۱۳۹-۱۴۰)

در این مبحث، افزون بر سقوط ساسانیان و افول دین زردشتی در ایرانشهر، بروز پدیده‌های طبیعی مانند طاعون نیز به عنوان پیامد حمله اعراب ذکر شده است:

«ایرانشهر به تازیان ماند... ایشان دین خویش را رواج بخشیدند و بس آئین پیشینیان را بیاشتفتند، دین مزدیسنان را نزار کردند... از بندهشن تا امروز اناگی از

این گرانتر نیامد؛ چه، به سبب دشکنشی ایشان، نیاز و ویرانی و مست کنشی، و به سبب اکه -دادی و اکهدینی، سیج و نیاز و دیگر اناگی میهمان کرده ایستاد.» (بندهشن، ۱۳۸۰: ۱۴۱).

در این دوره، اعتقاد ایرانیان به تقدیر اجتناب‌ناپذیر که ناشی از ناتوانی آن‌ها در دفع مهاجمان بود، با عقیده اعراب مبنی بر وعده الهی خداوند برای فتح ایران پیوند یافت. در این شرایط بسیاری از حوادث و رخدادها رنگ و بوی پایان‌جهانی به خود گرفت. به عنوان نمونه، سیج (طاعون) با آن که پدیده‌ای طبیعی بود، اما شیوع آن در این دوره نشانه بلا تلقی شد و در متون دینی، طاعون به صحنه‌های نبرد پایان‌جهانی با محوریت اعراب راه یافت. از طرفی مسلمانان هم با تعبیر طاعون به خشم خداوند بر کفار و نوعی شهادت برای مؤمنان، نسبت به آن واکنش نشان دادند و به این ترتیب بر ترس‌های روانی خود غلبه کردند (چوکسی، ۱۳۹۳: ۷۶). قیام پهلوانان اسطوره‌ای نظیر بهرام ورجاوند و پشتوتن و سپس ظهور سه منجی -هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانت- و حوادث و رخداد‌های مرتبط با زمانه آن‌ها و رستاخیز و تن‌پسین و حوادث پایانی جهان و فرشگرد، مباحث دیگر بندهشن را در بر می‌گیرد.

عباراتی نیز ظهور سه منجی را در آخرالزمان توصیف می‌کند (بندهشن، ۱۳۸۰: ۱۴۲-۱۴۳). در بررسی شرایط ظهور سه منجی می‌توان به شباهت‌های دیگری دست یافت، برای مثال، با ظهور هر یک از آن‌ها، قدرت نیروهای اهریمنی تحلیل می‌رود و گیتی به وضعیت بهشتی نزدیک‌تر خواهد شد. همچنین توقف چندروزه خورشید در آسمان که از آن به عنوان معجزه ظهور یاد می‌شود، نقطه اشتراک دیگر در زمان ظهور هر سه منجی است (بندهشن، ۱۳۸۰: ۱۴۲).

۲-۲-۷. گزیده‌های زادسپرم

گزیده‌های زادسپرم به چهار موضوع کیهان‌شناسی و پیدایش جهان، زندگانی زردشت، فیزیولوژی و روان‌شناسی مردم و فرجام‌شناسی زردشتی می‌پردازد. نویسنده در تدوین کتاب، گرایش به فراهم کردن مطالب از منابعی دارد که به علوم یونانی استناد کرده بودند و کوشیده است آن‌ها را با سنت مدرسی زردشتی سازگار کند. این موضوع بخش کیهان‌شناسی اثر را از بخش مشابه آن در بندهشن متمایز می‌سازد (بویس، ۱۳۹۵: ۱۸۷). از دیدگاه زادسپرم،

آموزه‌های دین زردشتی برای بقا و ماندگاری در آن شرایط سخت، نیاز به بازتعریف و بهره‌گیری از علوم مکاتب دیگر را داشت. به عبارتی او خواستار به روزرسانی آموزه‌های زردشتی بود و به همین منظور به سراغ علوم یونانی رفت که از اواخر دوره ساسانی جایگاه خود را در منابع علمی و ادبی ایران حفظ کرده بودند.

فصل‌های سی و چهارم و سی و پنجم، درباره فرسگرد (ساختن جهان در آخرالزمان) است و در آن زندگی مردم در پایان جهان و شباهت این زندگی با آنچه در آغاز آفرینش بوده است، توصیف می‌شود (گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶: ۶ پیش‌گفتار). از دیدگاه راشد محصل، این دو فصل پایانی پر از تشبیهات و استعارات زیبا، جملات کوتاه و روان است و باید آن‌ها را از نثرهای زیبای دوره میانه فارسی به شمار آورد. مؤلف در انتهای این مبحث به توصیف نبردهای پایان‌جهانی پیش از رستاخیز پرداخته که به مدت سه ماه و در سه حالت مختلف طول خواهد کشید و با تغییرات متعدد آب و هوایی مانند بارش باران و وزش باد همراه است:

«هنگامی که سه‌ماه به رستاخیز مانده است، همانا نبردی بزرگ روی دهد، هم‌چنان که در آغاز آفرینش آفریدگان، نود شبانه‌روز با اهریمن کارزار بود. کارزاری که سی‌شبانه‌روز آن به صورت باران خرفسترکش (کشنده جانداران زیانکار) بود، سی‌شبانه‌روز به صورت تابش شبنم که بدان گیاه رویید، سی‌شبانه‌روز به صورت باد که آب را براند، زمین را پست و بلند و، گود و هموار بکرد. اما چنان که آن نبرد بزرگ در آغاز با بارش آب و وزیدن باد، آب افزای بود، آن‌که در پایان است با تابش و گرمای آتش و باد شگفت، آتش‌افروز است.» (گزیده‌های زادسپرم، ۱۳۶۶: ۶۲).

۲-۲-۸. دادستان دینی

دادستان دینی، به معنی مجموعه آرای دینی است و شامل پاسخ‌های منوچهر - برادر زادسپرم - به پرسش‌های روحانیون زردشتی است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۱۵۱). مؤلف در کتاب کوشیده به پرسش‌های دینی، پاسخ‌های سنتی بدهد که بازتاب عقاید قدیمی است، مخصوصاً در مورد موضوعاتی که مورد مناقشه روحانیون و مردم عادی بوده یا در معرض فراموشی بودند (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳: ۱۸۲). در مجموع نود و دو پرسش در زمینه‌های

مختلف مطرح شده است که گاهی یکنواخت و طولانی است و فهم آن‌ها دشوار است (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳:۱۸۲). پرسش‌های ۳۴ تا ۳۶ دربارهٔ پایان جهان و رستاخیز است. در برخی پرسش‌ها (پرسش‌های ۴۰، ۴۱، ۵۲، ۶۲) مسائل و چالش‌های مختلفی که زردشتیان در قرون اولیهٔ اسلامی با آن روبرو بوده‌اند، مطرح شده است و کتاب از این جهت اهمیتی خاص دارد. پرسش‌های ۴۰ و ۴۱ دربارهٔ اعتقاد به دین زردشتی و بی‌اعتقادی به آن، پرسش ۵۲ دربارهٔ معامله با کافران و پرسش ۶۲ دربارهٔ مجاز و غیرمجاز بودن گرفتن دارایی از کافران است (تفضلی، ۱۳۷۸:۱۵۲-۱۵۳).

بنابراین رویکرد دادستان دینی بر مبنای حفظ یکپارچگی و اتحاد درونی جامعهٔ زردشتی در مواجهه با مسلمانان بود. از آن‌جا که همواره احتمال تقابل زردشتیان و مسلمانان در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وجود داشت و این امر به بقای دین زردشتی آسیب می‌زد، مؤبدان در متون دینی خود تلاش می‌کردند با در نظر گرفتن شرایط موجود و بدون آن‌که به اصول دین و احکام اجرایی آن خدشه‌ای وارد شود، زمینهٔ تعامل و سازش جامعهٔ خویش را با مسلمانان فراهم کنند. از دیدگاه آن‌ها، دیانت زردشتی با حفظ سنت‌ها و پرهیز از هرگونه تغییر و اصلاح، می‌توانست به حیات خویش ادامه دهد.

۲-۲-۹. دینکرد

دینکرد پرجمع‌ترین و متنوع‌ترین نوشتهٔ پهلوی است و دربردارندهٔ آمیزه‌ای گسترده از موضوعاتی است که مربوط به زمان‌های مختلف هستند. نگارش این اثر را به دو نویسنده نسبت می‌دهند که هر دو از روحانیون بزرگ فارس در دوره‌های مختلف بوده‌اند (امریک و ماتسوخ، ۱۳۹۳:۱۷۱). یکی از آن‌ها، آذرفرنبغ فرخزادان بود که در قرن سوم هجری می‌زیسته است. او همان کسی است که در حضور مأمون خلیفه عباسی (۱۹۸-۲۱۸هـ)، با زردشتی مسلمان شده‌ای به نام عبدالله مناظره کرد و شرح آن در رساله‌ای به نام گجستک ابالیش آمده است. کتاب هفتم دینکرد از حیث مضامین پایان‌جهانی دارای اهمیت زیادی است. این متن افزون بر شرح مفصل زندگانی زردشت، به حوادث پس از زردشت تا پایان جهان، مانند حمله اسکندر، پراکنده شدن اوستا، اقدامات تنسر و خسرو اول پرداخته است (تفضلی، ۱۳۷۸:۱۳۶). در ادامه، پایان‌یافتن حکومت ایرانیان بر ایرانشهر، تخریب و ویرانی

آن و انحطاط اخلاقی و رفتاری جامعه در شرایط پایان‌جهانی شبیه فاجعه‌ای بیان می‌شود:

«و از آن سرزمین جنگ از میان نرود و نه آن تگرگ وارون و نه آن بدی باژگون... از میان رفتن خدایی مردم بر یکدیگر و ویرانی جای‌ها و روستاها بر اثر نیاز بسیار... پای بندنبودن به داشتن دین‌یزدان، نزاری و درد و باشگونی بهدینان و آزار و خروش دین‌برداران... و نابودکردن نیکوکاری در بسیاری از سرزمین‌های ایران... و این که شمرده‌شد، اندکی است از بیش و بسیار چیز که از اوستا رسیده است پس از گشتاسب تا فرجام‌یافتن خدایی ایرانیان از ایرانشهر. جهانیان آگاه‌اند که آن‌چه نوشته شده است، روی داده است» (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹:۲۶۲-۲۶۶).

کتاب با شرح مفصلی از حوادث و رخداد‌های مرتبط با دوران سه موعود زردشتی و بازسازی جهان مطابق با دوران نخستین آفرینش (فرشگرد) و وعده پیروزی نهایی اهوره‌مزدا به پایان می‌رسد:

«در فرجام پنجاه و هفت سال اهریمن دروغ نابود شود فرشگرد و تن پسین بپاشد. همه آفریدگان نیک به پاکی و درخشش بسیار سامان یابند... آن‌گاه، من که اورمزد، فرشگرد را به کام اندر جهان بدهم همیشه زنده، و پیوسته سودمند و پیوسته کامه خدای» (دینکرد هفتم، ۱۳۸۹:۲۸۲).

۲-۳. پایان جهان از دیدگاه متون پساساسانی و دیانت زردشتی

بنابر سنت زردشتی، طول تاریخ جهان دوازده هزار سال است. نخستین سه‌هزار سال دوره آفرینش اصلی است؛ دومین سه‌هزاره بنا به خواست اهوره‌مزدا سپری می‌شود و گیتی آفریده می‌شود؛ سومین سه‌هزاره، دوران آمیختگی خواست خیر و شر است، و در چهارمین دوره، اهریمن شکست خواهد خورد. پس جهان شش هزار سال پیش از حمله اهریمن وجود داشت. به مدت سه هزار سال جهان در حالت مینویی محض بود و به مدت سه هزار سال شکل مادی داشت که با حالت مینویی پیوسته بود. حمله اهریمن به جهان همه بدی‌های اخلاقی و جسمانی را در آن ایجاد کرد (هینلز، ۱۳۶۸: ۹۵).

«پس، اهریمن با همه نیروهای دیوی به مقابله روشنان برخاست... آسمان را که به ستاره پایه ایستاده بود به تهیگی فرو کشید... چون مگسی بر همه آفرینش بتاخت. جهان را به نیمروز چنان سخت تیره بکرد چونان شب تیره... او آز و نیاز و سیج، درد و بیماری و هوس را بر تن گاو و کیومرث فراز هشت... تا آمدن اهریمن شش‌هزار سال زمان گذشته بود؛ سه هزار سال به مینوئی و سه هزار سال به صورت مادی، در پاکی...» (بندهشن، ۱۳۸۰: ۵۲-۶۵).

بر این اساس، عمر جهان مادی (گیتی) نه هزار سال است که به سه دوره سه هزار ساله تقسیم شده است. بُن‌دهش (آفرینش) نخستین دوره از ادوار سه گانه مادی است. با حمله اهریمن، دومین دوره که موسوم به دوره گُمیزش (آمیزش) است آغاز می‌شود و طی آن، جهان آمیزه‌ای از نیک و بد است (بویس، ۱۳۹۵: ۵۰). آخرین دوره سه هزار ساله که در آن بدی شکست می‌خورد، دوره‌ای است که با تولد زردشت آغاز می‌شود و در پایان هر هزاره یکی از منجیان زردشتی ظهور می‌کند (هوشیدر، هوشیدرامه و سوشیانت). به عقیده زردشتیان ما در دوره پایانی تاریخ جهان زندگی می‌کنیم (هینلز، ۱۳۶۸: ۱۰۵).

احتمالاً زردشت نخستین کسی در جهان بود که مفهوم پایان زمان را در ذهن خود پرورش داد. پایان زمان یعنی پایان یک دوره زمانی تاریخی درون چارچوب ابدیت که به دنبال آن توفقی جاودانه در بسیاری از تغییرات و تحولات جامعه بشری مانند زادن و مردن رخ می‌دهد. این ایستایی وقتی به پایان می‌رسد که فرشگرد (دوران شکوه‌مندی) با شکست اهریمن آغاز می‌شود و اهوره‌مزدا شهریاری خویش را بر زمین گسترش دهد (بویس، ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۴۳).

جوهر تعلیم و روح آیین و اساس فکری زردشت، ثنویت - دوگانگی بن‌های آفرینش - است. از دیدگاه او، جهان عرصه تقابل دو قوه خیر (اهوره‌مزدا) و شر (اهریمن) است که این تقابل نه فقط در امور معنوی و اخلاقی، بلکه در قلمرو امور مادی و جسمانی نیز تجلی دارند (ولی و بصیری، ج ۳، ۱۳۷۹: ۱۴۹). به عبارتی، پایان جهان به طور کامل در گیتی رخ می‌دهد. رویدادهایی که به نوسازی جهان و وقوع آخرالزمان می‌انجامند، مرحله‌ای در تاریخ جهان هستند که در آن، نبرد میان دو اصل اخلاقی یعنی خیر و شر، به شدیدترین مرحله

می‌رسد، حیات مادی رو به تباهی و زوال رفته و جهان بدترین وضع خود را می‌گذراند، آنگاه مرحله فرجامین پایان جهان فرا می‌رسد و گیتی دچار دگرگونی می‌شود. این جهان، دیگر جهان «آمیخته» نیست، بلکه از وجود اهریمن پاک شده و تعالی یافته است (شاکد، ۱۳۹۳: ۹۳).

از دیدگاه هستی‌شناسی، تفاوت اهوره‌مزدا و اهریمن در آن است که اهوره‌مزدا به واسطه ایزدان و آمشاسپندان، در جهان مادی حضور دارد، حال آن که اهریمن همتایی در گیتی ندارد و نمی‌تواند صورت مادی «گیتی» داشته باشد (هینلز، ۱۳۶۸: ۸۳)، حضور اهریمن در جهان، بر مبنای یک واقعیت هستی‌شناختی نیست، بلکه فقط پدیده‌ای انسان‌شناختی یا روان‌شناختی است که در آن اهریمن خصلتی غیرمادی دارد و گیتی به عنوان عرصه پرورش مناسبی برای قدرت‌های ویرانگر او به کار می‌رود (شاکد، ۱۳۹۳: ۱۲۲). این قدرت‌های ویرانگر با نفوذ در جسم و جان آدمی باعث زوال و تباهی او می‌شوند.

بینش زردشت از تحولات پایان جهان، مانند بسیاری از آموزه‌های وی اصیل بود و در نواندیشی‌های او ریشه داشت، مانند پایان کامل زمان و تاریخ، نابودی همیشگی روح پلیدی، رستاخیز عام مردگان و برقراری ملکوت جاودانه خداوند بر زمین (بویس، ۱۳۹۰: ۱۴۳). وی مردم را به آغاز آخرین دوران جهان خلقت بشارت داد و به آن‌ها گوشزد کرد که در پایان این دوره سه هزار ساله، نیک و بد از یکدیگر جدا می‌شوند و هر یک به مکافات اعمال خود می‌رسند. او برای مبارزه با بدی و برقرار ساختن ملکوت خداوندی، همه را به پیروی از دین خود دعوت کرد (باقری، ۱۳۹۵: ۳۸). دقت در ادبیات پیشگویانه در باب سوشیانت نشان می‌دهد که باور به موعود در اندیشه‌های زردشتی عمیقاً مبتنی بر اسطوره‌های بازگشت به عصر زرین است؛ زیرا مهم‌ترین وظیفه سوشیانت بازسازی گیتی بر مبنای الگوی نخستین آن «فرشگرد» است که این امر با نگرش دوری و نه خطی به تاریخ انطباق دارد (آقایی، ۱۳۷۹: ۱۲۴).

«اهریمن و آذ، بدان دعای گاهانی، به شکسته افزاری، از کار افتاده، از آن گذر آسمان که از آن درتاخته بودند، باز به تیرگی و تاریکی افتند... آن سوراخ که اهریمن بدان درتاخته بود، بدان فلز گرفته شود. آن زمین دوزخ را باز به فراخی

گیتی آورند و فرشکرد شود در جهان. جهان، جاودانه و به کام، بی‌مرگ شود»
(بندھشن، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

در واقع، فرشگرد، نقطه اوج تحولی است که از همان ابتدای آفرینش شروع شده و همواره ادامه دارد. در این روند، نیروهای نیک به یاری اهوره‌مزدا در جدال با اهریمن و نیروی وابسته به او، گام‌به‌گام پیش می‌روند تا عاقبت در پایان دوران دوازده هزار ساله، بر آن‌ها چیره می‌شوند. در این هنگام، همه اجزای گیتی، از هرگونه بدی و ناپاکی پالایش شده، بازسازی دوباره گیتی مطابق با دوران نخستین آفرینش انجام می‌شود.

۳. نتیجه

مفهوم آخرالزمان و بسط و توسعه مبانی آن، متأثر از برخی تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخ ایران از جمله حمله اسکندر مقدونی و آنگاه اعراب بوده است که در آن دوره‌ها، جامعه ضمن ابراز نارضایتی از وضعیت موجود، امید به رهایی را از دست داد و برای بیان آرزوهای خود و حفظ وحدت درونی جامعه به ادبیات پایان‌جهانی پناه آورد.

صرف نظر از علل متعدد سقوط ساسانیان که می‌توان آن‌ها را از زوایای مختلف در دو دسته عوامل زیربنایی و عوامل شتاب‌دهنده مورد بررسی و تحلیل قرار داد، آنچه پس از این رخداد جامعه زردشتی را به خود مشغول داشت، عدم باورپذیری این جامعه نسبت به سقوط ساسانیان و تسلط اعراب بود. اگرچه در دهه‌های نخست پس از سقوط ساسانیان، جامعه زردشتی به اتکای مقاومت‌های محلی و اقدامات نظامی شاهزادگان ساسانی، تلاش می‌کرد امید خود را به بیرون‌راندن اعراب و برقراری مجدد حکومت ملی در ایرانشهر زنده نگه دارد، اما با فروکش کردن پایداری‌ها و ناکامی بقایای ساسانیان، این امیدها از بین رفت و شک و تردید نسبت به دین زردشتی و ناامیدی به آینده‌ای که چشم‌انداز روشنی برای آن وجود نداشت، جای آن را گرفت.

در این شرایط مضامین پایان‌جهانی به کمک زردشتیان آمد و شکل جدیدی از پایداری و مقاومت را در قالب مفاهیم دینی و اسطوره‌ای ارائه داد. به عبارتی عدم باورپذیری شرایط

موجود، دین زردشتی را مجدداً به سوی جهان اسطوره‌ای سوق داد و در آن اسطوره‌ها در قالب مفاهیم پایان‌جهانی و ظهور سه منجی زردشتی در پایان جهان تجلی یافتند. در این شرایط، زردشتیان تفکر احیای حکومت ایرانشهری را کنار گذاشتند و دغدغه‌های خویش را بر مبنای حفظ وحدت و انسجام درونی جامعه زردشتی در چارچوب مضامین پایان‌جهانی پایه‌ریزی کردند. بر این اساس، روحانیون زردشتی در متون پس‌اساسانی به آسیب‌شناسی تحولات جامعه در حوزه‌های مختلف دینی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی پرداختند و با تکیه بر مضامین پایان‌جهانی، آموزه‌ها و تعالیمی را ارائه دادند که جامعه زردشتی برای بقا و ماندگاری در آن شرایط به آن‌ها نیازمند بود.

منابع

- آقایی، مجتبی (۱۳۷۹)، «بازخوانی مفهوم موعود در دین زرتشتی»، *فصلنامه هفت آسمان*، ش. ۷، صص ۱۱۱-۱۲۸.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۲)، *اسطوره زندگی زردشت*، چاپ دوم، تهران، نشر چشمه.
- *اردویرافنامه* (۱۳۸۲)، آوانویسی، ترجمه متن پهلوی و واژه‌نامه از فیلیپ ژینیو، ترجمه ژاله آموزگار، چاپ دوم، تهران، نشر معین.
- امریک، رونالد و ماریا ماتسوخ (۱۳۹۳)، *تاریخ ادبیات فارسی، ادبیات ایران پیش از اسلام*، ج ۱۷، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران، نشر سخن.
- باقری، مهری (۱۳۹۵)، *دین‌های ایران باستان*، چاپ هشتم، تهران، نشر قطره.
- *بندهشن* (۱۳۸۰)، ترجمه مهرداد بهار، تهران، نشر توس.
- بویس، مری (۱۳۹۵)، *زردشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها*، ترجمه عسکر بهرامی، چاپ چهاردهم، تهران، نشر ققنوس.
- _____ (۱۳۹۰)، *آیین زرتشت*، ترجمه ابوالحسن تهامی، چاپ چهارم، تهران، نشر نگاه.
- پوردوود، ابراهیم (۱۳۸۹)، *اوستا*، تهران، نشر پارمیس.
- تاوادی، جهانگیر (۱۳۸۳)، *زبان و ادبیات پهلوی، فارسی میانه*، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، چاپ سوم، تهران، نشر سخن.
- تونه‌ای، مجتبی (۱۳۹۳)، *فرهنگ الفبایی مهدویت، موعودنامه*، چاپ سی و یکم، قم، نشر مشهور.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۶)، *تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان*، تهران، نشر سمت.
- چوکسی، جمشید کرشاسب (۱۳۹۳)، *ستیز و سازش*، ترجمه نادر میرسعیدی، چاپ هفتم، تهران، نشر ققنوس.
- دریایی، تورج (۱۳۹۳)، *شاهنشاهی ایران، پیروزی عرب‌ها و فرجام‌ساختی زردشتی*، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران، نشر توس.
- _____ (۱۳۸۳)، *شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، نشر ققنوس.
- *دینکرد هفتم* (۱۳۸۹)، گردآورنده محمدتقی راشد‌محصل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- *زندبهن‌یسن* (۱۳۷۰)، تصحیح متن، آوانویسی و برگردان فارسی از محمدتقی راشد‌محصل، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- سنگاری، اسماعیل و محسن یعقوبی (۱۳۹۸)، «بررسی، تبیین و تحلیل دیدگاه متون آخرالزمانی زردشتی نسبت به جنبش‌های ایرانی ضدخلافیت در سده‌های دوم و سوم هجری»، *الهیات تطبیقی*، سال دهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۱-۱۶.
- شاکد، شائول (۱۳۹۳)، *از ایران زردشتی تا اسلام*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ پنجم، تهران، نشر ققنوس.
- صدیقی، غلامحسین (۱۳۷۲)، *جنبش‌های دینی ایران در قرن‌های دوم و سوم هجری*، تهران، نشر پازنگ.
- کای‌بار، چس پیتر آسموسن و مری بویس (۱۳۸۶)، *دیانت زردشتی*، ترجمه فریدون وهمن، تهران، نشر جامی.
- *گزیده‌های زادسیرم* (۱۳۶۶)، ترجمه محمدتقی راشدمحصل، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- *متن‌های پهلوی* (۱۳۷۱)، گردآورنده جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب، پژوهش سعید عریان، تهران، نشر کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- معین، محمد (۱۳۸۴)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، نشر ساحل.
- ولی، وهاب و میترا بصیری (۱۳۷۹)، *ادیان جهان باستان*، ج ۳، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هینلز، جان (۱۳۶۸)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه.
- Azarnouche, Samra (2012), «Repères», dans Zoroastrisme le rite pour l'éternité, *Religions & Histoire*, no. 44, Mai/Juin 2012, p. 14-15, Paris.
- Leclant, Jean (2005), *Dictionnaire de l'Antiquité*, Ouvrage public avec le concours du Centre National du Livre et de M. Jean Bonna, sous la direction de J. Leclant, Edition de Quadrige et PUF, Paris.
- Malandra, William W. (1983), *An introduction to Ancient Iranian Religion, Readings from the Avesta and Achaemenid Inscriptions*, Minnesota Publications in the Humanities, V. 2, University of Minnesota, Minnesota.
- Messina, Giuseppe (1939), *Libro Apocalittico Persiano ayatkar ī Zamaspiik. Test Pehlevico Parsi e Pazend Restituito, tradotto e commentato*, Roma Pontificio Istituto Biblico, Roma.